

بررسی تأثیر اقتدار پلیس بر احساس امنیت در شهروندان روانسر

علی مرادی^۱، فریبرز پیرو^۲، شهناز هاشمی^۳

از صفحه ۱۲۳ تا ۱۴۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۵

چکیده

هدف و زمینه: وجود امنیت در هر جامعه‌ای نیازمند فعالیت نهادهایی است که در جهت تامین و تحقق آن بکوشند از جمله این نهادها می‌توان به نیروی انتظامی اشاره کرد که مسئول برقراری امنیت عمومی و آسایش در سطح جامعه است. نیروی انتظامی موظف می‌باشد با هر آنچه که این امنیت و آرامش جمعی را خدشه‌دار می‌سازد مقابله کند. در این میان اقتدار نیروی انتظامی در جهت حمایت از شهروندان، یکی از عوامل بسیار مهم و بازدارنده در خدشه‌دار کردن امنیت شهروندان است. پژوهش حاضر که با هدف بررسی تأثیر اقتدار پلیس بر احساس امنیت در شهروندان روانسر می‌باشد، از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی می‌باشد. پژوهش حاضر بر اساس نظریه‌های مختلف از جمله نظریه بوزان و ویور در سنجش و تجزیه و تحلیل احساس امنیت و نیز دیدگاه وبر درباره اقتدار به عنوان چارچوب نظری پژوهش و مبنای فرضیات استفاده می‌شود.

روش تحقیق: روش در این پژوهش، میدانی با استفاده از تکنیک پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری این مطالعه افراد بالای ۱۵ سال شهر روانسر در سال ۹۵ است که تعداد آن‌ها ۵۷۵۰۰ نفر هستند و تعداد ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول کوکران انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها محقق ساخته است که اقتدار پلیس در سه بعد و با استفاده از ۲۶ گویه و احساس امنیت با استفاده از ۲۰ گویه در مقیاس لیکرت سنجش شدند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد. جهت برآورد روایی از روایی صوری و برای پایایی از آلفای کرونباخ استفاده و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و برای سنجش مدل پژوهش از رگرسیون چندگانه استفاده به عمل آمد.

یافته‌ها و نتیجه گیری: نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که دو مؤلفه متغیر میزان اقتدار پلیس (اقتدار حقوقی - عقلانی و اقتدار سنتی) وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و روی هم رفته ۰/۴۶ از تغییرات متغیر احساس امنیت شهروندان را مورد تبیین قرار می‌دهد. می‌توان استدلال کرد که با افزایش اقتدار عقلانی و همچنین اقتدار سنتی پلیس، شاهد ارتقای احساس امنیت شهروندان خواهیم بود.

کلیدواژه‌ها: اقتدار پلیس، انواع اقتدار، احساس امنیت شهروندان، انواع احساس امنیت.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران. نویسنده مسئول. moradi.pop@gmail.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. pairo1975@mailfa.com

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران.

امنیت از دیرباز به عنوان یکی از حقوق مسلم شهروندی مورد توجه بوده است به طوری که فقدان و یا اختلال در آن رابطه مستقیمی با کیفیت زندگی بشر در هر عصری دارد. احساس امنیت به قابلیت و حفظ الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است (مرادی، ۱۳۹۶: ۱۴۴). نظام اجتماعی در هر جامعه‌ای برای اعمال کارکردهایش نیازمند امنیت اجتماعی است، زیرا شرایط جدید جوامع ناشی از رشد شهرنشینی و گزینشافتی شدن روابط اجتماعی موجب این شده که همبستگی‌های اجتماعی، مشارکت‌های مدنی، سرمایه‌های اجتماعی، روابط جمعی و... کاهش یابد و حیات جمعی به سمت فردی شدن و تضعیف کارکردهای نهادهای اجتماعی سوق یابد و این مسائل باعث رشد آسیب‌های اجتماعی و بروز جرائم و انحرافات اجتماعی در حد وسیع و گسترده می‌گردد. اصل وجود دولت‌ها و جوامع، مبتنی بر نیاز مردم به برخورداری از امنیت بوده است و در صورت فقدان این امر، مردم نیازی به گرد هم جمع شدن و تشکیل جوامع و اعطای برخی از اختیارات نامحدود به دولت‌ها در مقابل برخوردار شدن از امنیت را نمی‌دیدند (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۳). با توجه به اهمیت احساس امنیت و تحقق آن در جوامع مختلف، هر جامعه‌ای به فراخور امکانات و شرایط خود، نهادهایی را جهت تأمین و تحقق کامل امنیت در جامعه ایجاد نموده است که هر یک وظایف خاصی را در این راستا بر عهده دارند و از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سازمان انتظامی جوامع یعنی پلیس اشاره نمود (تاجران و کلاکی، ۱۳۸۸: ۵۳۶). در واقع احساس ناامنی، ساختاری است که به خشونت‌های شهری، شکل و نوع بزه‌کاری بستگی دارد. در این میان مشارکت مردم در ایجاد نظم و امنیت جامعه می‌تواند به ثبات این خرده سیستم‌ها کمک کند تا به تشکیلات خرده سیستم‌های نظام اجتماعی لطمه‌ای وارد نشود (مرادی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). نقش نیروی انتظامی و نهادها و ارگان‌هایی که مسئول حفظ نظم در جامعه هستند در ایجاد و احساس امنیت بسیار مورد تاکید و توجه است. به هر اندازه که اقتدار پلیس در سطح جامعه افزایش یابد فضای توسعه احساس امنیت نیز بر فضای کشور افزایش می‌یابد. کاهش احساس امنیت نیز موجب بی‌اعتمادی، رواج بدبینی، عدم مشارکت و همکاری مردم در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی در کشور شده

و بستر آشنفنگی‌های اجتماعی و تهدید امنیت داخلی را به دنبال دارد. در سال‌های اخیر تحولات اقتصادی و اجتماعی استان کرمانشاه و به تبع آن شهر روانسر، افزایش جمعیت، فقر و نابرابری، بیکاری و غیره، نگرانی و دغدغه امنیت را افزایش داده است. شهرستان روانسر که به عنوان دروازه اصلی ورود به منطقه اورامانات و شهرهای مرزی استان کرمانشاه (پاوه، نوسود و ثلاث باباجانی) و همچنین دو بازارچه مرزی شیخ صله (ثلاث باباجانی) و مرز کوله‌بری شوشمی (پاوه) شناخته و با بالغ بر ۴۷۶۵۷ نفر جمعیت به تنهایی ۲۲ درصد از جمعیت منطقه اورامانات را تشکیل می‌دهد (ویسمرادی، ۱۳۹۸: ۵۸). روند رو به رشد آسیب‌ها و مسائل متعدد اجتماعی، تهدیدات اخلاقی، موجبات احساس ناامنی را بین شهروندان به وجود آورده و سبب کاهش احساس امنیت در این شهرستان شده است. بنابراین پژوهش حاضر با شیوه‌های علم اجتماعی، احساس امنیت را در بین شهروندان شهر روانسر به آزمون می‌گذارد تا اثر اقتدار پلیس را در سطح جامعه بر روی امنیت و احساس امنیت بسنجد. شناخت میزان اثرگذاری این نهاد امنیتی در تولید و حفظ احساس امنیت از جمله پرسش‌های مهمی است که پاسخ به آن، می‌تواند جایگاه نیروی انتظامی را در این عرصه تبیین نماید. در این راستا نیروی انتظامی تلاش‌های گوناگونی را در جهت نیل به ارتقای سطح امنیت اجتماعی، به اجرا می‌گذارد، بنابراین ضروری است تا چگونگی و نحوه فعالیت‌های آنان به وسیله ابزارهای علمی و مطالعات دقیق، مورد بررسی قرار گیرد. پلیس به عنوان نیرویی که حافظ امنیت اجتماعی در یک جامعه است از دیدگاه مردم، نماد اقتدار، عزت و ارزش‌های والای اجتماعی باید باشد، به همین خاطر مطالعه رفتارهای آن‌ها در رفتار و تعاملات اجتماعی آنان با مردم، حائز اهمیت می‌باشد. از طرفی نیروی پلیس کارکردهای زیادی برای تداوم و بقای یک نظام اجتماعی دارد، بنابراین تقویت، تحول و اصلاح این کارکردها در راستای توسعه اجتماعی و تداوم نظام اجتماعی می‌تواند حائز اهمیت باشد. اصولاً بحث امنیت اجتماعی شهروندان پدیده‌ای فراگیر و حتی تبدیل به دغدغه اصلی سازمان‌هایی چون پلیس و نیروهای امنیتی در جامعه شده است. شناخت عوامل مرتبط با آن و نقش مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های غیررسمی در آن در جامعه هم برای امنیت مردم و هم سازوکار سازمان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این شناخت می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی - امنیتی

Archive of SID

و نیز پیدا کردن راه کارها و سیاست‌های مناسب برای حل معضلات و مشکلات امنیت اجتماعی بکار گرفته شود (مرادی، ۱۳۹۶: ۱۴۱). شناخت آثار اقتدار نیروی انتظامی در احساس امنیت از جمله دلایل مهمی است که می‌تواند چگونگی فعالیت نیروی انتظامی را در این عرصه تبیین نماید. شناسایی اقتدار پلیس در ابعاد مختلف اقتدار سنتی، حقوقی - عقلانی و کاریزمایی پلیس و همچنین بررسی تأثیر متغیرهای جمعیتی بر احساس امنیت شهروندان، حاکی از ضروریات اصلی تحقیق می‌باشد.

پیشینه پژوهش

مرادی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی نقش مشارکت شهروندان در تأمین احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه شهر مبارکه) می‌باشد. جامعه آماری در این تحقیق شامل شهروندان بالاتر از ۲۰ ساله شهر مبارکه در سال ۱۳۹۵ است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که بین میزان مشارکت مردمی و احساس امنیت همبستگی بالایی وجود دارد. احمدی و فرهادی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی رابطه مهارت حل مساله و احساس امنیت در بین زنان یزد احساس امنیت در بین زنان، به این نتیجه رسیدند که با آموزش مهارت حل مساله اجتماعی به زنان، یکی از دغدغه‌های اساسی آنان، یعنی احساس ناامنی تسکین داده یا برطرف می‌شود.

باصری و حاتمی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی اقتدار پلیس بر اساس دیدگاه کارکنان نیروی انتظامی و نخبگان دانشگاهی ۶۴ نفر به صورت تصادفی از بین استادان دانشگاه‌های مستقر در تهران و به طور خاص استادان دانشگاه‌های علوم انتظامی و امام حسین (علیه‌السلام) و مدیران و دانشجویان دکترای دانشگاه عالی دفاع ملی و در گروه نمونه کارکنان نیروی انتظامی ۳۸۸ نفر به صورت تصادفی از بین کارکنان شاغل در کلاتری، مناطق راهنمایی و رانندگی و پلیس آگاهی در تهران بزرگ انتخاب کردند و از آنان تحقیق به عمل آوردند. نتایج تحقیق نشان داد که شاخص‌های اقتدار قانونمند (۷۳)، سنتی (۶۹)، فرهنگمند (۶۷)، نخبگان (۶۴) و زورمندانه (۵۳) به ترتیب دارای بیش‌ترین نمره است.

طاهری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان، نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان در باب موضوع مورد مطالعه به تحقیق پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین نقش پلیس با احساس امنیت اجتماعی



شهروندان اصفهانی تأیید شد. متغیر نقش پلیس در این تحقیق در سه بعد جدیت پلیس، عملکرد پلیس و توانایی پلیس بوده است که بعد جدیت پلیس با بعد فکری احساس امنیت، بعد عملکرد پلیس با بعد امنیت مالی و بعد توانایی پلیس با بعد احساس امنیت جمعی دارای رابطه معناداری بوده است.

تاجران و کلاکی (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها بیانگر آن است که عملکرد و توانمندی پلیس (سرعت عمل، امکانات و تجهیزات پیشرفته) با احساس امنیت شهروندان تهرانی رابطه معناداری داشته است. همچنین رفتار حرفه‌ای پلیس (تعهد، قانون مداری، عدم انجام پارتی‌بازی یا دریافت رشوه) با احساس امنیت شهروندان داری رابطه معناداری بوده است. بنی‌اسدی و حسینیان (۱۳۸۶) به این نتیجه رسیده‌اند که پلیس به تنهایی نمی‌تواند احساس امنیت را در جامعه برقرار سازد؛ بلکه در تعامل با مردم و مشارکت‌های اجتماعی، می‌تواند احساس امنیت را در جامعه تأمین کند. زنجانی زاده اعزازی (۱۳۸۰) به این نتیجه رسیده است که هر چه تجربیات مخاطره‌آمیز فرد بیش‌تر باشد به میزان بیش‌تری احساس ناامنی می‌کند و هر چه مرتبه شغلی فرد بالاتر باشد، بیش‌تر احساس امنیت می‌نماید و اگر فرد احساس مثبت بیش‌تری از خود داشته باشد، کم‌تر احساس ناامنی می‌کند. هم چنین زنانی که به طور مرتب از منزل خارج می‌شوند و با مشکلات کم‌تری مواجه می‌شوند، بیش‌تر احساس امنیت می‌نمایند (شاکری، ۳۰:۱۳۸۱).

نیکس و ولف^۱ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان تأثیر تبلیغات منفی بر خود مشروعیت پلیس، نشان داد که رویدادهای مشهور مربوط به استفاده پلیس از زور در شهرهای مختلف در سراسر ایالات متحده، رسانه‌های گسترده‌ای را به خود اختصاص داده و اهمیت روابط پلیس و جامعه را نشان داده است. یافته‌ها نشان داد که افسرانی که به دلیل تبلیغات منفی احساس کم‌ترکی می‌کردند، از حقانیت کمتری برخوردار بودند. با این حال، درجه‌ای که افسران احساس می‌کردند کارشان به دلیل تبلیغات منفی خطرناک‌تر شده است، به طور معناداری با خود حقانیت مرتبط نبود. یافته‌های به دست آمده، درک ما از منابع خود مشروعیت را افزایش می‌دهد و نشان می‌دهد که تبلیغات منفی پیرامون اجرای قانون، چالشی بی‌نظیر برای اعتماد افسران به اقتدار آن‌ها است که می‌تواند پیامدهای مهمی

برای جامعه داشته باشد.

ایرنا کاجنر و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی به اثربخشی پلیس به عنوان عامل موثر در استراتژی ایمنی در جامعه در مورد شهروندان در کرواسی پرداختند. نتایج نشان داد که بین پلیس و جامعه رابطه پیچیده‌ای وجود دارد ادراک عاطفی و شناختی شهروندان از کارایی پلیس در جلوگیری و تشخیص جرم به عنوان عاملی موثر که بیشترین تأثیر را بر حس امنیت شهروندان دارد و نیز تأثیر زیاد برخورداره مقتدرانه پلیس در جامعه‌ای که منجر به تقویت احساس امنیت در میان شهروندان می‌شود. براون و بندیکت^۲ (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان نگرش شهروندان به پلیس: مروری بر یافته‌ها و پیشنهادات گذشته برای سیاست آینده انجام دادند. این بررسی نشان می‌دهد که تنها چهار متغیر (سن، تماس با پلیس، محله و نژاد) ثابت شده است که بر نگرش به پلیس تأثیر می‌گذارد. با این حال، اثرات متقابل بین نگرش به پلیس و متغیرهای دیگر وجود دارد که هنوز درک نشده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که تعمیم نظری در مورد نگرش به پلیس باید با احتیاط انجام شود. تحقیقات السون^۳ (۲۰۰۰) نشان داد که احساس ناامنی در زنان، افراد مسن و فقیر بیش از مردان و افراد جوان و با درآمد بالاست. نتایج تحقیق گرابسکی در استرالیا نشان داد که افراد با درآمد و تحصیلات بالاتر احساس امنیت بیشتری می‌کنند و ۶۲ درصد از زنان ۵۵ ساله و بالاتر در شهرهای بزرگ احساس ناامنی می‌کنند. شیدر و دیگران^۴ (۲۰۰۶) در تحقیق خود که با استفاده از داده‌های پیمایشی دوازده شهر آمریکا در خصوص تأثیر تصور شهروندان از پلیس جامعه محور بر کاهش جرم انجام دادند به این نتیجه رسیدند که تعامل بین ساکنان اجتماع می‌تواند از طریق افزایش آگاهی ساکنان با روش‌های خاص پلیس و بسط روابط فردی، رضایتمندی از پلیس را افزایش دهد. یافته‌ها نشان داد که پلیس جامعه محور منجر به بهبود وضعیت زندگی اجتماع شده و با افزایش رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی، همسایه‌ها ترس و نگرانی کمتری از ناامنی خواهند داشت.

1-Irena Cajner et al

2-Brown ang Benedict

3-Olsen

4-Scheider and et al



اسکوگان^۱ (۲۰۰۶) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر پلیس جامعه محور بر ساکنان محله» که در شهر شیکاگو انجام داده بود به این نتیجه رسید که اجرای این طرح بسیار مفید بوده است و در طول ده سال ارزیابی انجام شده، درصد ساکنانی که از بیرون رفتن در شب می‌ترسیدند از ۴۰ درصد به ۲۵ درصد بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ کاهش یافته و همچنین در طول آن دوره اختلاف ترس از جرم بین زنان و مردان و بین افراد مسن‌تر و جوان‌تر به طور اساسی کمتر شده است.

مبانی نظری

هس و میلر^۲ (۱۳۸۲) بر وجود سه دوره مشخص تاریخی اقتدار پلیس در تأمین امنیت تاکید دارند و معتقدند که در جریان شکل‌گیری نیروهای پلیس در جوامع مختلف سه تغییر عمده در عملکرد آنان روی داده است و این تغییر الگوها را به عنوان دوره‌های خاص عملکرد پلیسی توصیف می‌کنند. در این سه دوره پارادیم یا الگوی خاصی حاکم بوده است که عبارت‌اند از: ۱- دوره سیاسی ۲- دوره اصلاحات ۳- دوره جامعه‌گرا (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۱۲۰). در پژوهش حاضر از نظریه بوزان و ویور در سنجش و تجزیه و تحلیل احساس امنیت و نیز دیدگاه ماکس وبر درباره اقتدار به عنوان چارچوب نظری پژوهش و مبنای فرضیات استفاده می‌شود.

وارن باری بوزان^۳ در اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود، بوزان دیدگاهی دولت‌محور داشت و بر مرجعیت دولت در مطالعات امنیت تأکید می‌کرد؛ اما بعد از آن بوزان، از موضع افراطی خود (دولت‌محور) کناره گرفت و در اواخر دهه نود دولت و جامعه را با هم به عنوان مرجع امنیت در نظر می‌گیرد. ممکن است تهدیداتی که امنیت اجتماعی را تحت الشعاع قرار می‌دهند، زمانی روی دهند که جوامع به این نتیجه برسند که در شرایطی خاص هویت «ما» مورد تعرض و خطر واقع شده است. عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز و بیان خود تنوع داشته باشد. به باور بوزان، این عوامل ممکن است مشتمل بر این موارد باشند: ممنوعیت به‌کارگیری زبان، نام‌ها، لباس‌ها از طریق بستن مکان‌های آموزشی و دینی و یا

1-Skogan

2-Hess and Miller

3-Warren Barry Buzan

Archive of SID

تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع. بوزان امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی نموده‌اند؛ به عبارت دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می‌کند. از دیدگاه بوزان امنیت اجتماعی عبارت است از: توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و... در حفظ هستی و هویت خود. به عقیده بوزان جوامع درباره مقوله «هویت» بسیار اساسی برخورد می‌کند، او استدلال می‌کند که مقوله کلیدی جامعه هویت است؛ یعنی آن دسته از عقاید و اعمالی که افراد را به عنوان اعضای جامعه خاص معرفی و باز می‌شناساند. جامعه درگیر هویت و درگیر خودباوری گروه‌ها و افرادی که خود را اعضای جامعه می‌دانند (بوزان، ۲۰۰۰: ۴۰).

ال ویور^۱ و ویور، امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی تعریف کرده است، وی هم چنین امنیت اجتماعی را با نیاز به حفظ هویت در ارتباط می‌داند. هویت عبارت است از آن چه که موجب شناسایی شخص باشد (کلاهیجان، ۱۳۸۴: ۱۳۸). به عقیده ویور، امنیت اجتماعی در کنار امنیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و زیست‌محیطی قابل طرح نیست؛ بلکه هم طراز امنیت اجتماعی، امنیت ملی است. چرا که امنیت اجتماعی در شرایط کنونی مرجع امنیت ملی می‌باشد. از نگاه ویور در حالی که امنیت ملی به تهدیدات علیه حاکمیت می‌پردازد، امنیت اجتماعی معطوف به هویت است که فی‌نفسه مقوله‌ای است بسیار مهم، چون هویت اجتماعی به هر حال وجود دارد چه دولت باشد و چه نباشد. نکته دیگر این که امنیت هویت با امنیت اجتماعی، معنای سیاسی یافته است و عکس‌العمل یک اقلیت در دفاع از هویت خود، فی‌نفسه عملی سیاسی است. از این رو امنیت اجتماعی به اندازه امنیت ملی واجد اعتبار است (نصری، ۱۳۷۸: ۱۳۶). براین اساس ویور حوزه امنیت را بر حسب یک دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد. امنیت اجتماعی در این جا بخشی از امنیت دولتی به شمار می‌رود؛ اما به عنوان یک بخش مستقل هم (که بوزان از آن غفلت ورزیده) به آن ارجاع داده می‌شود.

دارندورف و اقتدار^۱: یکی از اندیشمندان که به بحث اقتدار پرداخته است دارندورف است. به نظر دارندورف اقتدار روابط اجتماعی عامی است که دارایی و مالکیت فقط یکی از انواع آن است. دارندورف برای تعریف اقتدار از وبر الهام می‌گیرد، اقتدار عبارت است از شانس و موقعیتی مبنی بر نظمی خاص با محتوای معین که باعث اطاعت گروهی از مردم می‌شود. دارندورف منشأ ساختی تضادهای اجتماعی را در اقتدار می‌جوید نه قدرت. قدرت مربوط به نیروی بدنی شخص، استعداد و توانایی، نیروی معنوی وی یا همچنین با سمتی که دارد در ارتباط است، در صورتی که اقتدار منحصرأ با سمت یا نقشی که فرد در یک سازمان اجتماعی بر عهده دارد در ارتباط است. بنابراین در تمام جوامع انسانی اقتدار وجود دارد و یک سازمان اجتماعی بدون اقتدار غیرقابل تصور است. در جامعه گروه‌هایی کم‌و بیش دارای اقتدار هستند و در مقابل اشخاص یا گروه‌هایی هم وجود دارند که تحت انقیاد و تسلط این اقتدار قرار دارند. از این رو ما در تمامی زمان‌ها، ساختارها و موقعیت‌ها شاهد دو گروه مخالف هستیم. نظریه‌پردازان کشمکش نیز مانند کارکردگرایان تمایل به بررسی ساختارها و نهادهای اجتماعی دارند (گرب، ۱۳۷۳: ۱۵۷).

ماکس وبر^۲: وبر اقتدار را در ارجاع و اشاره به هر نوع نظام قدرت یا کنترل اجتماعی به کار می‌برد که از سوی افرادی که با آن سروکار دارند به عنوان نظامی مشروع تلقی می‌شود؛ بنابراین در معنای مذکور اقتدار رابطه‌ای نزدیک با مشروعیت نظام سیاسی دارد. در این معنا اقتدار آمیز خواندن یک نظام یا نهاد به معنای معطوف ساختن توجه به شیوه خاصی از حکومت کردن و حاکمیت نیست، بلکه به معنای آن است که در میان هر ملت نگرش خاصی راجع به شیوه تبعیت و انقیادی که بر آنان حاکم است، وجود دارد. وبر به «سلطه مشروع» یا «حکومت» می‌پردازد و به روابط قدرت و قدرت‌طلبی در روابط اجتماعی، توجه خاصی دارد. به نظر وی قدرت‌طلبی، همراه با آرمان‌ها، ارزش‌ها و منافع مادی، عوامل اساسی اعمال انسانی را در شبکه روابط اجتماعی تشکیل می‌دهند. او در جامعه‌شناسی سیاسی خود ابتدا مفاهیم سیاست، قدرت و «اتوریته»^۳ یا سلطه مشروع را به روشنی تعریف می‌کند، سپس میان اعمال سیاسی و اعمال اقتصادی تمایز قائل می‌شود و سرانجام به ساختن

1-Darendorf

2-Weber Max

3-Authority

Archive of SID

«تپ‌های ایده‌آل»^۱ یا «نمونه‌های متعالی» (اعلی) از «آتوریته» یا سلطه مشروع یا اقتدار مشروع می‌پردازد و مشخصات هر یک از این تپ‌های ایده‌آل یا نمونه‌های متعالی را برمی‌شمرد. وبر، قدرت را توانایی مردم برای دستیابی به اهداف خویش (با وجود مقاومت دیگران) تعریف می‌کند. پس قدرت دربردارنده زورگویی برخی به برخی دیگر است. در همه جوامع نیز برخی افراد، در جست‌وجوی قدرت برای خود و یا گروه خویش هستند. در طرح کلی وبر، نظام چیرگی با دو عنصر مربوط به هم تعریف می‌شود: الف) باورهایی درباره مشروعیت اقتدار؛ ب) وجود دستگاهی اجرایی.

در جوامع پیشرفته صنعتی امروز، اقتدار بر پایه قانون و سلطه قانونی - عقلایی است. بنا بر تعبیر وبر، چیرگی قانونی، با برتری مقام و پایگاه به وجود می‌آید. در درون یک نظام اقتداری و قانونی عقلایی، احزاب سیاسی، سازمان‌هایی هستند که در آن‌ها طبقه‌ها و گروه‌های هم پایگاه، برای به دست آوردن قدرت مبارزه می‌کنند (گروپ، ۱۳۷۳: ۱۵۷). وبر معتقد است قدرت هنگامی نمایان می‌شود که عده‌ای بتوانند به دلخواه شرایط اجتماعی را در اختیار بگیرند، بدون این که برای دیدگاه‌های موافق و مخالف اهمیتی قائل شوند. قدرت تسلط بر شرایط اجتماعی، به مسئله نابرابری اجتماعی مربوط می‌شود؛ زیرا چنین تسلطی، به طور معمول تأثیری مستقیم بر ایجاد و تقویت حقوق و فرصت‌ها و امتیازات نابرابر میان مردم دارد (صدراتی، ۱۳۷۴: ۱۳۹). وبر به سه نوع نظام عمده اقتدار کارزماتیک، سنتی و حقوقی-عقلانی اشاره می‌کند. به زعم وبر هر یک از انواع سه گانه اقتدار نزد پیروان آن‌ها واجد مشروعیت خاص خود است (بشیریه، ۱۳۷۴: ۹۴).

۱- اقتدار سنتی: اقتدار سنتی بر پایه احترام به سنت‌های کهن، به ویژه بر خواست‌های رهبران و اعتقاد و ایمان پیروان استوار بوده و برای قدرت‌ها، قواعد، مقررات، آداب و رسوم آبا و اجدادی و سنن پیشینیان احترام خاصی قائل است. در نظام‌های مبتنی بر اقتدار سنتی، رهبر فرد برتر آن نظام نیست، بلکه ارباب شخصی یا خصوصی محسوب می‌شود. در نظام اقتدار سنتی مشروعیت فردی تعیین‌کننده روابط اداری با شخص ارباب است، نه وظایف غیرشخصی اداری. به نظر وبر مهم‌ترین ویژگی اقتدار سنتی در قیاس با اقتدار عقلانی، خاصیت ایستایی یا عدم

1-Ideal Type.



۱۳۳۳

تحرك و عدم پویایی آن است. وی اقتدار سنتی را به سه نوع پیرسالاری، پدرسالاری و میراث سالاری تقسیم می‌کند. دو مورد نخست فاقد دستگاه اداری منظم‌اند، لیکن دارای رهبر هستند. در اقتدار سنتی نوع سوم که شکل موروثی دارد، سلطه سنتی به کمک نیرویی اداری و نظامی که در حیطه اقتدار و اختیار یک شخص مستبد قرار دارد، اعمال می‌شود. وبر در تحلیل نهایی هر سه نوع اقتدار سنتی را موانعی برای بسط و توسعه عقلانیت می‌داند؛ زیرا ریشه در نظام‌های اعتقادی جزم‌گرایانه دیرپای و لایتغیری دارند که هیچ‌گونه خدشه در اصول آن‌ها مجاز نبوده و عدول از آن‌ها مجازات شدیدی در پی دارد (جهانگلو، ۱۳۸۳: ۳۹).

۲- **اقتدار کاریزماتیک:** این نوع اقتدار بر اساس نوعی قداست، الوهیت، پرهیزگاری، قهرمان‌پروری یا قدرت‌های معنوی و خارق‌العاده رهبران بنا شده است. باید توجه داشت که مفهوم کاریزما در نظریات وبر نقش مهمی بر عهده دارد. منظور وی از کاریزما، جدا از کاربرد عامیانه و رایج آن، عمدتاً به برداشت یا طرز تلقی گروه هواداران از این مفهوم بستگی دارد، اگر هواداران و پیروان یک رهبر وی را واجد ویژگی‌های کاریزمایی بدانند، خواه این شخص از خصوصیات برجسته‌ای برخوردار باشد یا نباشد، آن شخص رهبری کاریزماتیک به حساب آمده و اقتدار وی نیز از نوع اقتدار کاریزمایی خواهد بود و به تبع آن سلطه وی نیز سلطه کاریزماتیک خواهد بود. به عقیده وبر کاریزما مهم‌ترین نیروی بنیادی در دنیای اجتماعی است. با توجه به خصلت محافظه‌کارانه اقتدار سنتی پیدایش رهبری کاریزماتیک تهدیدی جدی برای کل یک نظام سیاسی-اجتماعی به شمار می‌رود (واتسن و آرت، ۱۳۸۵: ۳۶).

۳- **اقتدار حقوقی-عقلانی:** این نوع اقتدار مبتنی بر قانون است و قدرت رهبر یا رهبران جامعه نیز ناشی از قانون است. این نوع اقتدار، اشکال ساختاری متنوعی به خود می‌گیرد و شکل بارز آن که مورد نظر وبر است، پدیده بوروکراسی یا دیوان‌سالاری است که آن را ناب‌ترین نوع اقتدار حقوقی-عقلانی می‌داند. وبر نظام بوروکراسی را در قالب سنخ یا نمونه آرمانی جای داده و نگرش مثبتی به آن داشته است. اقتدار حقوقی-عقلانی، ویژه جوامع صنعتی است که با رشد و گسترش چشمگیر دستگاه‌های دیوان‌سالاری، نظام مدیریتی، توسعه تکنولوژی و مناسبات تولید مدرن ملازم است. در این نظام‌ها منشأ اقتدار ناشی از قوانین و

Archive of SID

قواعد عقلانی خاصی است که در حقیقت تجلی و تبارز سیطره عقلانیت ابزاری محسوب می‌شود.

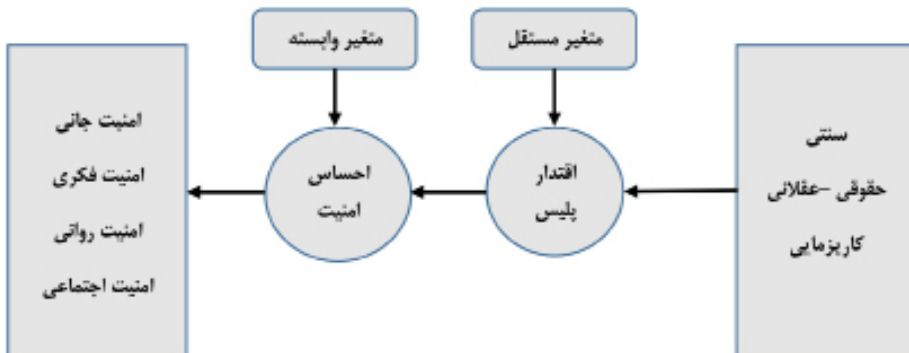
به اعتقاد وبر روند همه‌جانبه در غرب و نهایتاً در سایر نقاط جهان به سمت سیطره یافتن نظام اقتدار حقوقی-عقلانی است. به هر حال بحث وبر پیرامون چگونگی روند تکامل در جوامع غربی و رسیدن آن‌ها به مرحله اقتدار حقوقی-عقلانی همراه با دستگاه‌های دیوان‌سالاری ملازم با آن، تنها بخشی از استدلال‌های وی در خصوص فرآیند عقلانی شدن در جهان غرب است. به اعتقاد وبر سرمایه‌داری در روند تکامل عقلانی خود ناگزیر در چارچوب بوروکراسی قرار می‌گیرد و اگر سوسیالیسم در صدد رقابت با سرمایه‌داری است باید به افزایش بوروکرات‌های تخصصی و حرفه‌ای اقدام کند و گریزی از این امر ندارد (واتسن، آرنست، ۱۳۸۵: ۴۰). در فضای گفتمانی وبر معتقد است، پلیس جلوه قدرت مشروع و عقلانیت ابزاری دیوان‌سالارانه دولت می‌باشد. تعریف مشهور وبر از دولت به سان دستگاهی که حق انحصاری استفاده از کاربرد زور مشروع را دارد پیش و بیش از هر جایی در سازمان پلیس و حوزه اجرایی دولت محقق و جلوه‌گر می‌شود. با این تعریف، پلیس با استفاده از حق مشروع کاربرد وسایل اجبار، به استقرار نظم و امنیت در جامعه نائل می‌شود (نیک گهر، ۱۳۷۰).

جدول شماره ۱: دستگاه نظری پژوهش

| متغیرها | ارائه فرضیه | استنتاج نظری | ایده نظری | نظریه |
|-------------|--|--|---|-------|
| احساس امنیت | سنجش متغیر احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته | عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز و بیان خود تنوع داشته باشند. این عوامل ممکن است مشتمل بر این موارد باشند: ممنوعیت به کارگیری زبان، نام‌ها، لباس‌ها از طریق بستن مکانهای آموزشی و دینی و یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع. | امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می‌کند. امنیت اجتماعی عبارت است از: توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و ... در حفظ هستی و هویت خود. | بوزان |

| | | | | |
|-------------|--|--|--|----------|
| احساس امنیت | سنجش متغیر احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته | ویور حوزه امنیت را بر حسب یک دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد و امنیت اجتماعی را در رابطه با هویت اجتماعی در نظر می‌گیرد. | امنیت اجتماعی: توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی. امنیت اجتماعی را با نیاز به حفظ هویت در ارتباط می‌داند و امنیت اجتماعی معطوف به هویت است که فی‌نفسه مقولهای است بسیار مهم، چون هویت اجتماعی به هر حال وجود دارد چه دولت باشد و چه نباشد. | ال ویور |
| اقتدار پلیس | بین اقتدار سنتی پلیس و احساس امنیت شهروندان ارتباط معناداری وجود دارد. بین اقتدار حقوقی - عقلانی پلیس و احساس امنیت شهروندان ارتباط معناداری وجود دارد. بین اقتدار کارزمایی پلیس و احساس امنیت شهروندان ارتباط معناداری وجود دارد. | وبر به سه نوع نظام عمده اقتدار کارزمایی، سنتی و حقوقی - عقلانی اشاره می‌کند. | اقتدار: ارجاع و اشاره به هر نوع نظام قدرت یا کنترل اجتماعی است که از سوی افرادی که با آن سروکار دارند به عنوان نظامی مشروع تلقی می‌شود؛ بنابراین اقتدار رابطه‌ای نزدیک با مشروعیت نظام سیاسی دارد. | ماکس وبر |

مدل تجربی پژوهش



فرضیه‌ها

- بین اقتدار سستی پلیس و احساس امنیت شهروندان ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین اقتدار حقوقی-عقلانی پلیس و احساس امنیت شهروندان ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین اقتدار کاریزمایی پلیس و احساس امنیت شهروندان ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین سن با احساس امنیت شهروندان ارتباط معناداری وجود دارد.
- میانگین احساس امنیت شهروندان بر حسب جنسیت پاسخگویان تفاوت معنادار دارد.
- میانگین احساس امنیت شهروندان بر حسب تحصیلات پاسخگویان تفاوت معنادار دارد.

روش پژوهش

روش مورد استفاده نیز روش پیمایشی از طریق گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق تمامی افراد بالای ۱۵ سال مردم شهر روانسر که براساس سرشماری سراسری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ تعداد آن ۵۷۵۰۰ می‌باشد که از آن تعداد ۲۸۵۰۰ نفر مرد و ۲۹۰۰۰ نفر زن هستند. روش نمونه‌گیری این مطالعه، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران به استخراج حجم نمونه پرداخته که نمونه‌ی ۳۸۴ نفر می‌باشد. دو متغیر اصلی در پژوهش حاضر میزان احساس امنیت شهروندان (به عنوان متغیر وابسته) و اقتدار پلیس (متغیر مستقل) می‌باشند. برای تعریف مفهومی و عملیاتی دو متغیر مذکور به شرح زیر عمل شده است:

احساس امنیت: احساس امنیت به معنای فقدان هراس از اینکه ارزش‌های انسانی مورد حمله قرار گیرد یا به مخاطره نیفتد و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع، اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۴۹). در این پژوهش منظور از احساس امنیت، نمره‌ای است که آزمودنی‌ها از پرسشنامه محقق ساخته احساس امنیت که بر اساس تقسیم‌بندی چلبی در طیف لیکرت در قالب چهار بعد در نظر گرفته

شد که عبارت‌اند از: ۱- امنیت مالی، ۲- امنیت جانی، ۳- امنیت فکری ۴- امنیت روانی که دارای ۲۰ گویه می‌باشد و طیف ۵ درجه‌ای لیکرت می‌باشد که به خیلی زیاد (امتیاز ۵)، زیاد (۴ امتیاز)، متوسط (۳ امتیاز)، کم (۲ امتیاز)، خیلی کم (۱ امتیاز) می‌باشد.

۱- امنیت جانی: هرگونه تهدیدی که علیه جان انسان‌ها وجود داشته باشد امنیت جانی آن‌ها را از بین می‌برد؛ بنابراین شرایط امنیت جانی شرایطی است که هیچ‌گونه تهدیدی علیه جان افراد جامعه وجود نداشته باشد. این بعد با در نظر گرفتن ۶ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

۲- امنیت مالی: منظور از امنیت مالی این است که دارایی و اموال افراد تا چه حد در امنیت است تا جایی که این دارایی‌ها مورد تهدید قرار نگیرد. این امر باعث می‌شود صاحبان آن احساس امنیت و آرامش داشته باشند (صمدی بگه جان، ۱۳۸۴: ۷۳). این بعد با در نظر گرفتن ۴ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

۳- امنیت روانی: مهم‌ترین عامل احساس امنیت در میان مردم یک جامعه، امنیت روانی است؛ یعنی چنانچه حکومتی، مسئولیت‌مدیریت و سعادت و خوشبختی مردم را به عهده بگیرد، باید به لحاظ روانی؛ بیشتر عمل کند؛ یعنی به صورت غیرمستقیم، یک فضای آرام فکری و فرهنگی برای آن‌ها به وجود بیاورد. احساس امنیت یا امنیت روانی را هنگامی می‌توان مورد اشاره قرار داد که فرد یا جامعه‌ای از احساس آرامش و اعتماد و کفایت برخوردار و از احساس ترس و اضطراب و دلهره رها شود (کرامتی، ۱۳۸۵: ۲۲). این بعد با در نظر گرفتن ۵ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

۴- امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی به حفظ مجموع ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند و یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌شود که هدایت گروهی، او را سامان می‌بخشد. به این ترتیب امنیت اجتماعی قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول است. این بعد با در نظر گرفتن ۵ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

اقتدار پلیس: از منظر مفهوم اقتدار، پلیس در درون جامعه دستگاهی است که موجبات همکاری میان دولت و حوزه عمومی را فراهم می‌کند؛ بنابراین، پلیس

Archive of SID

نقشی مضاعف دارد؛ از يك سو، نیروی دولتی اجبارآمیزی است که قدرت مشروع اجبار فیزیکی را به صورت قانونی در اختیار دارد و از سوی دیگر، يك نیروی مدنی است که هیچ فاصله‌ای میان او و مردم از این حیث وجود ندارد. در این پژوهش منظور از اقتدار پلیس، نمره‌ای است که آزمودنی‌ها از پرسشنامه محقق ساخته اقتدار پلیس که بر اساس تقسیم‌بندی وبر از انواع اقتدار در طیف لیکرت در قالب سه بعد در نظر گرفته شد که عبارت‌اند از: ۱- اقتدار سنتی، ۲- اقتدار کاریزمایی، ۳- اقتدار حقوقی- عقلانی که دارای ۲۶ گویه می‌باشد و طیف ۵ درجه‌ای لیکرت می‌باشد که به خیلی زیاد (امتیاز ۵)، زیاد (۴ امتیاز)، متوسط (۳ امتیاز)، کم (۲ امتیاز)، خیلی کم (۱ امتیاز) می‌باشد.

۱- **اقتدار سنتی**: در این پژوهش با شاخص‌هایی چون احترام به سنت‌ها و بزرگان، پیشگیری از جرم از طریق پیرسالاری و سیستم پیشگیری اداری و نظامی وابسته به بزرگان از طریق تعامل پلیس با بزرگان و نقش انعطاف‌پذیری و آشنایی پلیس با منطقه مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۲- **اقتدار کاریزمایی**: با شاخص‌هایی چون قداست و قدرت، اطمینان خاطر، دارا بودن اصول اخلاقی، فرهنگ کاری و حرفه‌ای، دارا بودن شهرت اجتماعی سنجیده می‌شود.

۳- **اقتدار حقوقی-عقلانی**: با شاخص‌هایی چون مبتنی بر قانون بودن، مدیریت دیوان‌سالاری و مبتنی بر بوروکراسی، استفاده مشروع از وسایل قهری، حق انحصاری کاربرد زور مشروع، کاربرد و توسعه امکانات مدرن در تأمین امنیت اجتماعی مردم، حضور قانونی مأموران نیروی انتظامی، دسترسی آسان به مأموران نیروی انتظامی و حق قانونی استفاده از رسانه‌ها در تأمین امنیت و... مورد سنجش قرار می‌گیرد. در طراحی پرسشنامه از اعتبار صوری در مطالعات نظری وسیع صورت پذیرفت و از نظر متخصصان نیز استفاده شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه مبنی بر تعیین قدرت تبیین‌کنندگی گویه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای متغیر وابسته (احساس امنیت) برابر با ۰/۷۹ و متغیر مستقل (اقتدار پلیس) ۰/۹۲ به دست آمده است.



جدول شماره ۲: میزان آلفای کروناخ کل

| مقدار آلفای کروناخ | تعداد گویه | نام متغیر |
|--------------------|------------|----------------------|
| ۰/۸۸ | ۱۰ | اقتدار سنتی |
| ۰/۹۶ | ۸ | اقتدار کاریزمایی |
| ۰/۸۹ | ۸ | اقتدار حقوقی- عقلانی |
| ۰/۷۹ | ۲۰ | احساس امنیت |

یافته‌های پژوهش

داده‌های این پژوهش حاصل استخراج پرسش‌نامه‌هایی است که توسط ۳۸۴ نفر از شهروندان شهر روانسر تکمیل گردید و اساس تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از ضریب همبستگی و آزمون مقایسه میانگین‌ها استفاده شده است. جدول شماره ۲ آماره‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش را نشان می‌دهد، دامنه اعداد از ۱ تا ۵ می‌باشد. در بین مؤلفه‌های اقتدار، اقتدار کاریزمایی با میانگین ۴/۲۱ از ۵ بیش‌ترین میانگین و اقتدار حقوقی - عقلانی با میانگین ۱/۸۷ کمترین میانگین را دارا می‌باشد. همچنین دامنه نمرات احساس امنیت بین ۱/۸۹ و ۴/۱۱ و میانگین نمرات احساس امنیت برابر ۳/۲۲ از ۵ نمره می‌باشد.

جدول شماره ۳: آماره‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

| متغیرها | حداقل | حداکثر | میانگین | انحراف معیار |
|-----------------------|-------|--------|---------|--------------|
| اقتدار سنتی | ۲/۱۴ | ۳/۸۸ | ۳/۳۶ | ۰/۹۳۹ |
| اقتدار کاریزمایی | ۲/۸۰ | ۴/۲۱ | ۳/۲۹ | ۱/۰۰۳ |
| اقتدار حقوقی - عقلانی | ۱/۸۷ | ۴/۰۴ | ۳/۲۹ | ۱/۰۰۳ |
| احساس امنیت | ۱/۸۹ | ۴/۱۱ | ۳/۲۲ | ۰/۸۸۶ |

از جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، ۱۳۴ نفر معادل ۳۴/۹ درصد در سن ۲۶-۳۵ سال بوده‌اند که بیش‌ترین فراوانی را داشته‌اند و ۴۶ نفر معادل ۱۲/۰ درصد در گروه سنی ۵۶ سال به بالا بوده‌اند که کمترین فراوانی را داشته‌اند. از ۳۸۴ نفر نمونه پژوهش، ۲۵۷ نفر (معادل ۶۶/۹ درصد) مرد و ۱۲۷ نفر (معادل ۳۳/۱ درصد) زن بوده‌اند. در این پژوهش ۵۷ نفر معادل ۱۴/۸ درصد از افراد مورد مطالعه زیر

Archive of SID

دیپلم، ۱۱۷ نفر معادل ۳۰/۵ درصد دارای مدرک دیپلم، ۱۰۴ نفر معادل ۲۷/۱ درصد دارای مدرک کاردانی، ۱۶ نفر معادل ۴/۲ درصد دارای سطح تحصیلات کارشناسی و ۹۰ نفر معادل ۲۳/۴ درصد دیگر دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند. در این پژوهش ۹۳ نفر معادل ۲۴/۲ درصد از افراد مورد مطالعه دارای درآمد خیلی پایین، ۴۳ نفر معادل ۱۱/۲ درصد دارای درآمد پایین، ۲۱۹ نفر معادل ۵۷ درصد دارای درآمد متوسط، ۱۵ نفر معادل ۳/۹ درصد دارای درآمد بالا و ۱۴ نفر معادل ۳/۶ درصد دیگر دارای درآمد خیلی بالایی می‌باشند. در این پژوهش ۱۴۳ نفر معادل ۳۷/۲ درصد از افراد مورد مطالعه شاغل، ۳۴ نفر معادل ۸/۹ درصد در حال تحصیل، ۸۳ نفر معادل ۲۱/۶ درصد بیکار، ۱۹ نفر معادل ۴/۹ درصد در حال انجام خدمت سربازی و ۱۰۵ نفر معادل ۲۷/۳ درصد دیگر سایر می‌باشند. در این پژوهش ۱۵۴ نفر معادل ۴۰/۱ درصد از افراد مورد مطالعه در منزل ملکی، ۷۳ نفر معادل ۱۹ درصد در منازل اجاره‌ای، ۶۱ نفر معادل ۱۵/۹ درصد در منازل رهنی، ۵۲ نفر معادل ۱۳/۵ درصد در منازل سازمانی و ۴۴ نفر معادل ۱۱/۵ درصد دیگر در منازلی که گزینه سایر است در حال سکونت می‌باشند.

فرضیه پژوهش: اقتدار پلیس بر احساس امنیت شهروندان تأثیرگذار است.

تحلیل رگرسیونی: برای آزمون این فرضیه پژوهش از ضریب رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود. قبل از استفاده از این مدل اصلی، باید مفروضات اساسی این نوع تحلیل رگرسیونی را در نظر داشته باشیم به طوری که اگر این مفروضات برآورده نشوند، داده‌ها دارای اریب خواهند بود. جدول شماره ۴ پیش‌فرض‌های آزمون رگرسیون را نشان می‌دهد. پیش‌فرض اول، مستقل بودن خطاها یا باقی‌مانده‌ها از همدیگر است. برای تعیین وجود خودهمبستگی از آزمون دوربین-واتسون استفاده می‌شود که نتیجه به دست آمده از این آزمون در مورد احساس امنیت نشان می‌دهد که خطاها یا باقی‌مانده‌ها برای این مدل رگرسیونی مستقل از هم می‌باشند؛

$$\text{Durbin-Watson} = 1/588$$

از دیگر پیش‌فرض‌های اساسی در تحلیل رگرسیون چندگانه، نرمال بودن توزیع خطاها است. برای آزمون نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌های مدل‌های رگرسیونی از



۱۴۱

آزمون کولموگروف- اسمیرنوف استفاده شده است. آزمون کولموگروف- اسمیرنوف^۱ برابر ۰/۲۷۵ نشان می‌دهد توزیع مذکور نرمال است. از دیگر پیش‌فرض‌های رگرسیون هم خطی^۲ و یا هم خطی چندگانه^۳ است. برای مشخص کردن این وضعیت از دو شاخص آماری به نام شاخص تحمل^۴ و عامل تورم واریانس^۵ استفاده به عمل آمده است. معیار مطلوب برای مقدار شاخص تحمل بیشتر از ۰/۴ و برای عامل تورم واریانس کوچک‌تر از ۲/۵ است. نتایج به دست آمده برای دو شاخص فوق به ترتیب برابر ۰/۷۷ و ۱/۲۹ می‌باشد. این دو شاخص معکوس هم هستند و انتظار می‌رود که مقدار عامل تورم واریانس به سمت یک کاهش پیدا کند و مقدار شاخص تحمل به سمت یک افزایش پیدا کند. نقطه برش شاخص تورم واریانس بین ۱ تا بی‌نهایت است و نقطه برش شاخص تحمل بین صفر تا یک است. عامل تورم واریانس برای یک متغیر مستقل نسبتی از تغییرات آن متغیر مستقل است که به وسیله سایر متغیرهای مستقل مدل رگرسیون خطی تبیین نمی‌شود. با توجه به معیارهای فوق می‌توان از رعایت پیش‌فرض‌ها اطمینان پیدا کرد.

جدول شماره ۴: پیش‌فرض‌های آزمون رگرسیون

| نام آزمون | معادل لاتین | مقدار | درجه آزادی | معناداری |
|--------------------|--------------------------------|-------|---------------------|----------|
| کولموگروف اسمیرنوف | Kolmogorov-Smirnov | ۰/۲۱۱ | ۳۵۸ | ۰/۰۰۰ |
| شاپیرو ویلک | Shapiro-Wilk | ۰/۸۹۵ | ۳۵۸ | ۰/۰۰۰ |
| دوربین واتسون | Durbin-Watson | ۱/۵۸۸ | استقلال خطاها از هم | |
| تولرانس | Tolerance | ۰/۷۷ | عدم همخطی چندگانه | |
| عامل تورم واریانس | Variance Inflation Factor =VIF | ۱/۲۹ | عدم همخطی چندگانه | |

نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهند که دو متغیر اقتدار پلیس عقلانی و اقتدار سنتی به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. اولین بعد اقتدار که وارد معادله شده است، اقتدار عقلانی است. مقدار T برای آن برابر (T= ۶/۴۷) و ضریب معنی‌داری (Sig. T=۰/۰۰۰)؛ همچنین مقدار بتا برای این دو متغیر ۰/۳۴۷ می‌باشد که نشان‌دهنده رابطه معنادار

1-Kolmogrove-Smirnov Test

2-Collinearity

3-Multicollinearity

4-Tolerance

5-Variance Inflation Factor (VIF)

Archive of SID

بین متغیر مستقل و وابسته است. دومین مؤلفه از اقتدار که وارد معادله رگرسیونی شده است، اقتدار سنتی است. مقدار T برای اقتدار سنتی برابر (T= ۳/۳۵) است که با خطای (Sig.T= ۰/۰۰۰) مورد پذیرش می باشد. همچنین مقدار بتا برای این دو متغیر ۰/۱۸ می باشد که نشان دهنده رابطه معنادار بین متغیر مستقل و وابسته است. این دو مؤلفه از میزان اقتدار توانستند ۰/۴۶ از تغییرات میزان احساس امنیت شهروندان را تبیین نماید. در این معادله کمیت F به لحاظ آماری با مقدار ۴۸/۰۷۸ اعتبار آماری معادله را تأیید می کند. معادله رگرسیون برای این مدل به این صورت می باشد:

$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

بعد جانی احساس امنیت = ۱/۶۱۳ + ۰/۳۱۰ (اقتدار عقلانی) + ۰/۱۹۳ (اقتدار سنتی) + ei

جدول شماره ۵: تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام

| R ² | R | آزمون مدل | | ضریب معیار شده | ضرایب معیار نشده | | نام متغیر | مرحله |
|----------------|-------|-----------|---------|----------------|------------------|----------------|---------------|-------|
| | | معناداری | آزمون T | Beta | B | خطای معیار | | |
| ۰/۱۸۸ | ۰/۴۳۴ | ۰/۰۰۰ | ۶/۴۷ | ۰/۳۴۷ | ۰/۳۱۰ | ۰/۰۴۸ | اقتدار عقلانی | اول |
| ۰/۲۱۳ | ۰/۴۶۴ | ۰/۰۰۰ | ۳/۳۵ | ۰/۱۸۰ | ۰/۱۹۳ | ۰/۰۵۷ | اقتدار سنتی | |
| | | F=۴۸/۰۷۸ | | Sig.F=۰/۰۰۰ | | Constant=۱/۶۱۳ | | |

نتیجه گیری

این مطالعه با تمرکز بر احساس امنیت شهروندان و تأثیرپذیری آن از میزان و نوع اقتدار پلیس در شهر روانسر انجام گرفت. اقتدار با عنوان متغیر مستقل در سه بعد سنتی، کاریزمایی و عقلانی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل نشان می دهد که بین ابعاد اقتدار پلیس (اقتدار سنتی پلیس، اقتدار حقوقی عقلانی پلیس، اقتدار کاریزمایی پلیس) و میزان تحصیلات با احساس امنیت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد؛ به این معنا که رابطه ای معنادار و قابل تعمیم بین آن ها وجود دارد. آنچه در نتیجه این مطالعه مورد توجه است میزان شدت این ارتباط است که نشان می دهد که بین ابعاد اقتدار حقوقی و عقلانی و نیز اقتدار کاریزمایی پلیس با احساس امنیت شهروندان رابطه قوی وجود دارد. یعنی با افزایش اقتدار نیروی نظامی و انتظامی در جامعه در ابعاد سه گانه آن میزان احساس امنیت شهروندان



۱۴۳

افزایش پیدا می‌کند. در این راستا اقتدار سنتی با تأکید بر اصول و ارزش‌های اخلاقی و همچنین در نظر گرفتن شیوه‌های سنتی انتظار شهروندان می‌تواند نقش فعالی در بین جامعه و نسل نسبتاً قدیم و اتصال فرهنگی آن‌ها با نسل جدید نه تنها در راستای وظیفه اجتماعی خود ایفای نقش کند، بلکه می‌تواند نوعی جامعه‌پذیری فرهنگی را در بین نسل‌های جدید تقویت و ترویج نماید. در بعد اقتدار کاریزمایی، پلیس می‌تواند با ویژگی‌های فکری، اجتماعی و توانمندی‌های فرهنگی و اخلاقی و همچنین عملکرد نوع‌دوستانه خود نقش یک الگوی فرهنگی و اجتماعی برای شهروندان بازی کند و در بعد اقتدار عقلانی حقوقی با هوشمندی و توانمندی خود می‌تواند ضمن این که با اخلال‌گران در نظم و امنیت قاطعانه برخورد می‌کند اما در عین حال مهربان باشد و این همان صفت یار مقتدر و مهربان است که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره دارند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که سن و میزان تحصیلات تأثیری معنادار بر احساس امنیت در میان شهروندان را دارند ولی در مورد جنسیت، تفاوت معناداری بین زنان و مردان وجود ندارد و این فرضیه رد می‌شوند. نتایج این مطالعه در مقایسه با مطالعات انجام شده قابل بررسی است. مثلاً نتایج این مطالعه می‌تواند همسو با نتایج طاهری (۱۳۹۱) در نقش جدیت، عملکرد و توان پلیس را با ابعاد فکری، مالی و جمعی پلیس مورد بررسی قرار می‌دهد و معناداری آن را نشان می‌دهد، باشد. همچنین نتایج مطالعه حاضر به صورت غیرمستقیم با مطالعه تاجران و کلاکی (۱۳۸۸) در بعد عملکرد و توانمندی پلیس با احساس امنیت شهروندان همسو باشد. همچنین نتایج همسو با مطالعه ایرنا کاجنر (۲۰۱۵) در تأثیر برخورد مقتدرانه پلیس و احساس امنیت شهروندان، همچنین مطالعه هود (۲۰۰۶) همسو می‌باشد.

نتایج این مطالعه در قالب دیدگاه نظری ویر قابل بررسی و تفسیر است. از آن جا که جوامع به سمت عقلانیت شدید در حرکت و تکاپو هستند، اقتدار اجتماعی از نوع عقلایی و حقوقی اولویت بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین وجود این اقتدار نه تنها برخوردهای پلیس را از نوع شخصی و غیررسمی جدا می‌کند بلکه براساس مقررات و قوانین حاکم بر جامعه اعمال و اجرا می‌شود. از طرفی وجود اقتدار کاریزمایی با وجود حرکت فرا رونده جوامع به سمت عقلانیت صوری، همچنان پابرجا است و براساس اصل تعهد نجیبانه هومنز و توجه به اصل «انجام چیزی برای هیچی» و

Archive of SID

«احساس مسئولیت اجتماعی» می‌توان گفت پلیس کاریزما در بسیاری موارد برای رفاه دیگران تلاش می‌کند، حتی زمانی که آن‌ها نمی‌توانند مطمئن باشند که آیا کمک و مشارکتشان نتیجه خواهد داد یا نه؟ بنابراین می‌توان شاهد این نوع اقتدار در جوامع مدرن نیز بود. لازم به ذکر است که اقتدار سنتی نیز به عنوان یکی از ابعاد اقتدار همچنان در جوامع سنتی دارای کارکرد بوده و همچنان می‌تواند در بقا و تداوم این نوع اقتدار نقشی مهم را ایفا کند. با توجه به این که در شهر روانسر نوعی ویژگی‌های فرهنگی سنتی و قبیله‌ای و از طرفی ارتباط با مرزها و در برخی موارد ناامنی‌های مرزی نیز دیده می‌شود، بنابراین وجود این اقتدار برای پلیس نه تنها رنگ نابخسته است بلکه تا حدی کارکرد پررنگ‌تری پیدا کرده است. به همین خاطر در جمع‌بندی این مقاله می‌توان چنین استدلال کرد که جامعه مورد مطالعه به نوعی شاهد سه نوع اقتدار از جایگاه و منزلت پلیس می‌باشد و کارکرد هر سه نوع اقتدار را در وجد و بقای این اقتدارها مشاهده کرد. از طرفی می‌توان گفت میزان و شدت هر یک از آن‌ها نیز براساس نتایج فراوان و تأمل می‌باشد. در نهایت براساس نتایج به‌دست آمده در جهت مدیریت و اجرای دقیق برنامه‌های انتظامی از آن‌جا که نتایج بیانگر رابطه مستقیم بین همه مؤلفه‌های اقتدار (مؤلفه سنتی، مؤلفه کاریزمایی و مؤلفه عقلایی) پلیس و احساس امنیت شهروندان است، می‌توان با ساماندهی نیروهای نظامی و انتظامی در سطح شهرستان و به‌کارگیری آن‌ها براساس ویژگی‌های رفتاری و توانمندی‌های جسمانی، روانی و اجتماعی و هر کدام متناسب با ظرفیت‌های اجتماعی در سطوح مختلف آن‌ها را به کار گرفت و با نشان دادن توانمندی‌ها و پتانسیل‌های مذکور این نیروها از طریق رسانه‌های جمعی نقش تقویت‌کننده برای نیروهای نظامی و همچنین قابل پذیرش بودن برای گروه‌های مختلف مردم ایجاد و فراهم نمود. همچنین برای بالا بردن احساس امنیت، باید اقتدار پلیس بدون اجبار و همکاری مردم با پلیس، با اختیار و از روی علاقه باشد. اگر مردم احساس کنند از سوی پلیس برای انجام کاری تحت فشار قرار دارند، با اشتیاق و انگیزه دست به فعالیت نمی‌زنند و در نتیجه مشروعیت اقتدار پلیس پایین می‌آید. از طرفی با آگاهی دادن به مردم از توان ظرفیت‌ها، استعدادها و قدرت و منزلت پلیس و نیز حقوق شهروندی آنان در باب مسئولیت‌های فردی و اجتماعی آنان که می‌تواند عامل مؤثری در ایجاد احساس امنیت باشد، استفاده بهینه نمود.

منابع

- احمدی سیروس و فرهادی الهام (۱۳۹۶). بررسی رابطه مهارت حل مساله و احساس امنیت در بین زنان یزد. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، بهار ۱۳۹۶، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱-۱۶.
- باصری، احمد و حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۲). بررسی اقتدار پلیس بر اساس دیدگاه کارکنان نیروی انتظامی و نخبگان دانشگاهی، فصلنامه علمی ترویجی توسعه سازمانی پلیس، شماره ۴۴، صص ۶۷-۸۶.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران نشر نی.
- بنی اسدی، علی؛ حسینیان، سیمین (۱۳۸۶)، تأثیر نظارت همگانی بر افزایش احساس امنیت در جامعه، فصلنامه علمی - تخصصی بازرسی کل ناجا، شماره اول.
- تاجران، عزیزالله؛ کلاکی، حسن (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال چهارم.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۳)، موج چهارم، تهران، نشر نی.
- زنجانی زاده اعزازی، هما (۱۳۸۰)، زنان و امنیت شهری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۳۴، شماره ۴-۳.
- صادقی، میرمحمد (۱۳۹۳). آموزش رسانه ای تامین و حفظ امنیت اجتماعی، مجله کارآگاه، شماره ۳.
- صدراتی، احمد (۱۳۷۴)، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی ماکس وبر، تهران، نشر مرکز.
- صمدی بگه جان، جمیل (۱۳۸۴)، امنیت اجتماعی در شهر سنندج (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی.
- طاهری، زهرا (۱۳۹۱)، رابطه نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان سال ۱۳۸۸، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره ۱.
- کرامتی، مهدی. (۱۳۸۵). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان مراکز استانهای کشور. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا، شماره ششم و هفتم.

Archive of SID

- کلاهیجان، محمود (۱۳۸۴)، راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی شماره یک، جلد اول.
- گرپ، جی. ادوارد (۱۳۷۳)، نابرابری اجتماعی، مترجمان محمد سیاهپوش و احمد غروی زاد، نشر معاصر، تهران، چاپ اول.
- مرادی، علی (۱۳۹۶)، بررسی نقش مشارکت شهروندان در تأمین احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه شهر مبارکه)، فصلنامه پژوهش های انتظام اجتماعی، سال نهم، شماره چهارم، صص ۱۳۹-۱۶۶.
- ناجا (۱۳۸۳)، بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین حاشیه نشینان تهران بزرگ به تفکیک مناطق، تهران: معاونت اجتماعی ارشاد.
- نصری، قدیر. (۱۳۷۸). معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت. تهران: موسسه مطالعات راهبردی.
- نوروزی، فیض الله. و فولادی سپهر، سارا. (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال هیجدهم، شماره ۵۳، صص ۱۲۹-۱۵۹.
- نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۷۹)، مبانی جامعه شناسی، تهران، نشر رازن.
- واتسن، دیوید؛ آرت، هانا (۱۳۸۵)، اقتدار، فاطمه ولیانی. نشر هرمس. چاپ اول.
- ویسمرادی (۱۳۹۸)، مصاحبه با ماهنامه الکترونیکی فراتاب (ویژه مناطق کرد نشین)، شماره یک.
- هس، کارن ام؛ میلر، لیندا اس (۱۳۸۲)، پلیس در اجتماع، راهبردهایی برای قرن بیست و یک، ترجمه رضا کلهر، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- Brown, B. and Benedict, W. R. (2002). Perceptions of the police past findings, methodological issues, conceptual issues and policy implications, Policing: An International Journal of Police Strategies & Management, Vol. 25 No. 3, pp. 543- 580.
- Buzan, B. (2000). Security studies: Beyond strategy.
- Irena Cajner, M.; Krunoslav, B. and Dražen V. (2015). Police Effectiveness as the Influencing Factor of the Community Policing Strategy on Citizens' Sense of Safety in Croatia, Revija za kriminalistiko in kriminologijo, Vol. 65, No. 4, pp. 259-271.



- Nix J. & Wolfe S. E. (2017). The Impact of Negative Publicity on Police Self-legitimacy, *Journal Justice Quarterly*, Vol. 34, No. 1, pp. 84- 108.
- Olsen, V. L. (2000) *Feminisms and Research Qualitative*. Norman, K. and Lincoln, Yvonne, S. *Handbook of Qualitative Research*, London, Sage.
- Scheider, M. C., Rowell, T. & Bezdikian, V. (2006). The impact of citizen perceptions of community policing on fear of crime: Findings from twelve cities. *Police Quarterly*, Vol.6, 363.
- Skogan, G. W. (2006). *Police and Community in Chicago*. Oxford University Press. New York, New York.